

جنگ در باغهای بابل: خاورمیانه پس از جنگ عراق

متفاوت می‌شود. انقلاب در امور راهبردی (ص ۳۳) حیات دهنده این مهم شده است. حیات داخلی در کشورهای خاورمیانه امروزه

Bulent Aras, *War in the Gardens of Babylon: Middle East After the Iraqi War*, Istanbul: Tasam Publications, 2004, 220 pages

خاورمیانه است. بدین روی کشورهای

دکتر حسین دهشیار

غیرمنطقه‌ای در صدد برآمده‌اند که از طریق

استاد یار روابط بین الملل دانشگاه علامه

برنامه‌های هم‌سو با منافع خود به انجام

طباطبایی و پژوهشگر ارشد مرکز پژوهشهای

اصلاحات با فشار از بیرون اقدام کنند تا توان

عملی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

کنترل و مدیریت پیامدهای داخلی را داشته

باشند. به علت ناتوانی کشورهای خاورمیانه در

خاورمیانه متفاوتی را در برابر داریم، نه

جهت ایجاد فضای داخلی متناسب برای شکل

به لحاظ اینکه واقعیات کهن جایگزین

دادن به مبنای نظری و مادی در جهت حیات

گشته‌اند، بلکه جهت اینکه این واقعیات در

دادن به روابط برابر و پویا با کشورهای

پرتو شرایط نوین به تعریفی غیر سنتی دچار

فرمانطقه‌ای است که حضور وسیع‌تر آنان در

شده‌اند. معضل خاورمیانه همیشه این بوده

منطقه محسوس گشته است. منطقه به شدت

است که تاریخ به وسیله صاحبان قدرت به

مورد هجوم نیروهای سه‌گانه جهانی شدن،

طلب گرفته شده‌اند تا تفسیری بیرونی برای

دموکراتیزه شدن و عرفی شدن قرار گرفته

توجیه مشکلات و کاستیهای فزاینده در داخل

است بدون اینکه از توان تعامل با این نیروها

مطرح شود. توسل به حوادث تاریخی برای

برخوردار باشد. به علت عدم توانایی در حل

اولویت دادن به نقش بیگانگان در ایجاد

مشکلات فراوان داخلی این فرصت فراهم آمده

مشکلات داخلی، با توجه به معادلات جدید

است که سیاستهای قدرتهای فرمانطقه‌ای در

جهانی ثمر بخشی خود را از دست داده است و

روند حیات در منطقه به شدت تأثیرگذار گردد.

به همین روی است که صحبت از خاورمیانه

منطقه به شدت متحول گشته است، نه

به جهت اینکه ضرورت داخلی برای آن تأکید بر قدرت دستوری است سرلوحه عملکرد احساس شده است، بلکه به ضرورت نیازها و سیاستهای دولتهای فرامنطقه‌ای است که چنین فرایندی شکل گرفته است. به لحاظ آمریکا به سیاست توازن قواست. توازن قوا واقعیات قدرت در صحنه جهانی، پرواضح است که آمریکا نقش وسیع تری در حیات دادن به تحولات و دگرگونیها در سطح خاورمیانه را برای خود محفوظ بدارد. کتاب جنگ در باغهای بابلان (بابل) که مجموعه‌ای از نه مقاله است، تلاشی است بر اینکه خاورمیانه بعد از تحولات برآمده از جنگ عراق را به تصویر بکشد. فصل اول کتاب - از واسیلیس فوسکاس - به تحلیل راهبردی آمریکا در اورشیا و منطقه راهبردی زیر مجموعه آن یعنی خاورمیانه می‌پردازد. از دیدگاه نویسنده مقاله به جهت افزایش حجم قدرت، آمریکا سیاست توازن قوا را که در دوران جنگ سرد ساز و کار مدیریت روابط خود با دیگر کشورها قرار داده بود (صفحه ۱۳) کنار گذاشته است و مطلق‌گرایی جهانی را دنبال می‌کند و در این راستاست که طرح خاورمیانه بزرگ‌تر را مطرح کرده است. سیاست استفاده متناوب از هویج و چماق که مشخصه ساز و کار توازن قوا (صفحه ۲۷) بوده است، دیگر در پهنه سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا جایگاهی ندارد. آمریکا خط مشی نمایش قدرت را که برخاسته از

حوزه سیاسی با حیطة نظامی است، نویسنده می‌گذارد که روسیه سیاستهای سنتی را در انقلاب را در امور راهبردی که از ویژگیهای جدید در خاورمیانه است به صورت ذیل بیان می‌کند: نخست اینکه، یک ترکیب موفق به وسیله آمریکا در ترکیب نیروی هوایی دریایی در منطقه ایجاد شده است (صفحه ۳۶)؛ دوم اینکه، وقوف به این مسئله که پیروزی و مشروعیت که آمریکا خواهان آن است دارای جنبه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی است (صفحه ۳۹)؛ سوم اینکه، تأکید بر نیروی واکنش سریع شده است (صفحه ۳۹) و در نهایت اینکه این نیروهای واکنش سریع از توان حمله به اهدافی در فاصله‌های جغرافیایی دور گشته‌اند (صفحه ۴۱). از دیدگاه نویسنده نه

تنها انقلاب در امور نظامی پیدا شده است، بلکه در امور راهبردی هم این اتفاق حادث شده و می‌بایستی سیاست آمریکا در منطقه را در چارچوب این واقعیت به تفسیر کشید. نویسنده در این مقاله توجه مبسوطی به دگرگونیهای نظامی در توجیه سیاستهای آمریکا داشته است. بدون در نظر گرفتن این واقعیت که تفسیر چشم‌اندازهای فکری در داخل آمریکا نقش اساسی در حیات دادن به طرح خاورمیانه بزرگ تر داشته است.

فصل سوم به بررسی سیاست روسیه در خاورمیانه می‌پردازد و تأکید را بر این

فصل چهارم اختصاص به نقش سازمان ملل در خاورمیانه دارد و در این خصوص نویسندگان (جری پوبانتز و جان آلفین مور) به طرح این نظریه می‌پردازند که سازمان ملل فاقد یک چهره مستقل در منطقه است. از این دیدگاه نقش سازمان ملل و عملکرد این نهاد را در منطقه باید در رابطه با کیفیت روابط او با آمریکا در نظر گرفت (صفحه ۱۰۳). این دیدگاه به خصوص در رابطه با عملکرد سازمان ملل در خصوص مسئله فلسطین و عراق از وضوح فراوان برخوردار است. این سازمان تنها موقعی قادر به ایفای نقش سازنده و

تعیین کننده گردیده که در موازات سیاستهای برخوردار هستند و امکان پیروزی برای آمریکا آمریکا حرکت کرده است. این نهاد فاقد نیست.

استقلال عمل در شکل دادن به واقعیات خاورمیانه و یا مدیریت این واقعیات می باشد. فصل هفتم - که توسط رابرت بوکمیلر نوشته شده است - به نقش کلیدی اردن در

فصل پنجم - به قلم سیف الدین ادم - منطقه و نزدیکی فزاینده این کشور به آمریکا این نگاه را بسط می دهد که سیاست آمریکا در

منطقه و طرح خاورمیانه بزرگ تر در واقع تجلی واقعیات حاکم متوجه است که تنها راهی که پذیرش تز رویارویی تمدنهاست (صفحه ۱۲۵).

آمریکا از این دیدگاه در صدد ایجاد امپراتوری است و نیاز به تغییر هویت در منطقه را ضروری

یافته است. پس این کشور در صدد بهبود باشد. به همین روی است که اردن نقش

وضعیت در منطقه نیست، بلکه آن چیزی که سیاستهای این کشور جهت می دهد، نیازهای کرد (صفحه ۱۶۰) و پرچمدار منافع آمریکا در

قدرت محور و تلاش برای اشاعه سلطه و تداوم رابطه با حل و فصل مشکل فلسطین گذرید. فصل هشتم به سیاستهای ترکیه در منطقه به آن است.

فصل ششم در این رابطه بحث می کند ویژه در قبال عراق توجه می کند و به طرح این

که آیا بعد از حمله آمریکا به عراق، باید انتظار نکته می پردازد که ترکیه به لحاظ ملاحظات اقدامات نظامی به وسیله این کشور را علیه راهبردی داخلی، سیاستهای خود را شکل

دیگر دشمنان خود در منطقه به انتظار نشست می دهد. در واقع آنچه فرهنگ راهبردی ترکیه و یا اینکه آمریکا سیاستی متفاوت را دنبال نام گرفته است (صفحه ۱۷۶)، تعیین کننده

خواهد کرد (صفحه ۱۴۲). از نقطه نظر سیاستهای کلان ترکیه می باشد. از این روی

مارک گافنی آمریکا اقدام نظامی را در رابطه با نویسندگی به اثرگذاری متقابل حوزه اجتماعی و مدیریت روابط خود با دشمنان منطقه ای حوزه سیاسی در شکل دادن به سیاستهای

دنبال نخواهد کرد؛ چرا که نه تنها فاقد ظرفیت ترکیه تأکید و توجه می کند. آخرین فصل کتاب به کیفیت

نظامی متناسب است بلکه دشمنان این کشور مشروعیت در عربستان می پردازد و دلیل تداوم از قدرت فزاینده تری از عراق در قبل از حمله

ثبات در این کشور و تداوم سومین دولت در عربستان در هفتاد سال گذشته را به بررسی نویسندگان مقالات در قالبهای قبل از سال می‌گیرد. از دید نیل کویلیام و مگی کامل، به ۲۰۰۳ به تحلیل منطقه عمل می‌کنند که این دلیل توافقی که بین آل سعود به عنوان صاحبان قدرت سیاسی و آل شیخ به عنوان فرمانروایان مذهبی وجود داشته است، تداوم حکومت در عربستان ممکن پذیر شده است. در واقع اتحاد مذهبی - سیاسی، واقعیت دولت رانتیر و تداوم پدرسالاری (صفحه ۲۰۶) دست در دست هم داده‌اند و مشروعیت را در عربستان به وجود آورده‌اند. ساختار مذهبی به جهت موقعیت ویژه‌ای که در جامعه دارد و منابع فراوانی که از آن بهره‌مند می‌شود و ساختار سیاسی به جهت نیازی که به توجیه مذهبی برای حضور دارد، به این نتیجه رسیده‌اند که می‌بایستی یکدیگر را مکمل شوند و از یکدیگر حمایت کنند. این مبنای ثبات سیاسی و تداوم حکومت آل سعود در عربستان ترسیم گشته است.

کتاب در واقع درصدد این است که به ترسیم تصویر خاورمیانه به دنبال حمله عراق بپردازد. اما آنچه پرواضح است، این نکته است که نویسندگان مجموعه مقالات حاضر در کتاب دقیقاً همان مطالبی را بیان می‌کنند که در قبل از حمله آمریکا به عراق در مورد منطقه بیانگر می‌شد. به همین روی، واضح است که